یادداشت روز

اگر اراده داشته باشند

دوشـــنبه ۵ آذر ۱۴۰۳ عنوان اصلی صفحه اول روزنامه اعتماد، روزنامه حامی دولت آقای روحانی و وابسته به دولت آقای پزشکیان با حروفی دُرشت این بود: «ماشه یا برجام» این شاید بهترین عنوان برای نشـــان دادن عمق فاجعه و افتضاح توافق‌نامه «برجام» باشد که ناخواسته توسط این روزنامه حامی برجام منتشر شده است.

گزارش «ماشه یا برجام» دو راه «بازگشت به برجام» یا فعال‌سازی مکانیسم ماشه توسط اروپا و «بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت» را در مقابل ایران ترسیم می‌کرد. روزنامه اعتماد ناآگاهانه و یا عمدا هیچ اشاره‌ای نمی‌کرد که مکانیسم ماشه فرآیندی است که در ساز و کار حل اختلافات برجام فعال می‌شـــود و در واقع قســـمتی از برجام به حساب می‌آید. این یعنی طرف غربی برای بازگرداندن ما به برجام؛ ما را از طریق برجام تهدید می‌کرد. تهدید تروئیکای اروپا به بیان ساده این‌طور بود: یا به برجام برمی‌گردید یا با برجام مجبورتان می‌کنیم به برجام برگردید! برخلاف عنوان گزارش روزنامه اعتماد؛ در واقعیت هیچ دوگانگی‌ای میان «ماشه» و «برجام» وجود نداشت و هر دو یک مسیر بود. توافقی که قرار بود کاهش تنش و تهدید را به ارمغان بیاورد؛ حالا چماقی برای تهدید و اهرمی برای اعمال فشار بر ایران شده است؛ این تازه‌ترین نقش توافق خسارت‌بار برجام است که البته از همان سال‌های اولیه کیهان و برخی از منتقدان نسبت به این ویژگی هشدار می‌دادند.

«ساز و کار حل اختلافات» که در بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام آمده به نحوی طراحی شـــده است که ابتکار عمل را از ایران می‌گیرد. مطابق این ساز و کار با شکایت یکی از طرفین برجام و پس از فیصله نیافتن دعوی در کمیسیون‌ها و جلسات مشخص شده طی زمان تعیین شده، در نهایت کار به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داده می‌شود. پس از آن شـــورای امنیت باید طبق رویه‌های مرسوم خود، قطعنامه‌ای با موضوع «ادامه تعلیق قطعنامه‌های تحریمی ایران» را به رأی بگذارد. مذاکره‌کنندگان ایرانی با پذیرش این قسمت از برجام عملا حق وتوی چین و روسیه را بی‌تأثیر کرده و به آمریکا، انگلستان و فرانسه به عنوان دیگر اعضای دائم صاحب حق وتو اجازه می‌دهند چنین قطعنامه‌ای را هرگز به تصویب نرسانند. ضمنا اگر رویه شورای امنیت برای به رأی گذاشتن چنین قطعنامه‌ای به درازا بکشد؛ طبق متن برجام با گذشت ۳۰ روز از زمان ارجاع شکایت به شورای امنیت حتی بدون رأی‌گیری و تصویب قطعنامه هم تمامی قطعنامه‌های تحریمی گذشته علیه ایران مجددا اعمال خواهند شد. «مکانیسم ماشه» اشاره به این قسمت از ساز و کار حل اختلافات است که یعنی ماشه کشیده شده و هیچ راهی برای بازگشت گلوله وجود ندارد!

با توجه به این ســـاز و کار نامتوازن؛ حتی اگر طرف شاکی ایران باشد، باز هم منجر به بازگشت تمامی تحریم‌های قبلی شورای امنیت می‌شود. در واقع ایران در صورت شکایت از نقض عهد طرف غربی و آمریکایی یا باید قانع شود و شکایتش را پس بگیرد و یا اگر قانع نشد در صورت ارجاع موضوع به شورای امنیت، همه قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه ایران اعمال می‌شوند!

دقیقا به همین دلیل بود که حتی در دولت آقای روحانی علی‌رغم اذعان مسئولان وقت وزارت خارجه ایران به نقض مکرر تعهدات توسط طرف‌های غربی؛ آنها تمایلی به اســـتفاده از ساز و کار حل اختلافات برجام و ارجاع شکایت به شـــورای امنیت سازمان ملل نداشتند. با خروج آمریکا از برجام چون در این ساز و کار نامتوازن هیچ راهی برای اســـتیفای حق ایران در نظر گرفته نشده بود؛ مسئولان وقت ترجیح دادند تا یک عهدنامه قدیمی مربوط به بیش از ۶۰ سال پیش را بیرون بکشند و برای شکایت از آمریکا به مفاد پیمان مودت در سال ۱۳۳۴ شمســـی (۱۹۵۵ میلادی) استناد کنند. اکنون که ایران در واکنش به نقض عهد طرف‌های غربی، اقدام به کاهش تعهدات هســـته‌ای خود کرده است؛ این تروئیکای اروپایی اســـت که ایران را به فعال‌سازی «مکانیســـم ماشه» از طریق ساز و کار حل اختلاف «تهدید» می‌کند. توافق خسارت‌بار برجام از این منظر سند عبرت‌آموزی است که نشان می‌دهد اروپا و آمریکا چگونه از خوش‌بینی و اعتماد ساده‌دلانه آقای روحانی و دوستانش نهایت استفاده را کردند و بر سر آنها تا زانو کلاه گذاشتند!

اما فعال‌سازی «مکانیسم ماشـــه» آن‌قدر که طرف‌های غربی و مزدوران رسانه‌ای‌شان در داخل سعی می‌کنند آن را هراس‌آور جلوه دهند تا ایران را وادار به انجام تعهدات یک‌طرفه برجامی و یا توافقی فرابرجامـــی کنند، تهدیدی نگران‌کننده نیســـت. آنها در تبلیغات رسانه‌ای خود ایران را از بازگشت قطعنامه‌های تحریمی سابق شورای امنیت می‌ترسانند در صورتی که این قطعنامه‌ها اگرچه به دنبال برجام و در قطعنامه ۲۲۳۱ تعلیق (و نه لغو) شد اما این تعلیق نیز عملا هیچ‌گاه رخ نداد. در تمام سال‌های اجرای برجام و پس از آن محتوای تحریمی این قطعنامه‌ها توسط اروپا و آمریکا اجرا و یا تحریم‌های مشابه آن به بهانه‌های دیگر توسط آنها اعمال می‌شد.

۱۲شهریور ۱۳۹۵ (۲ سپتامبر ۲۰۰۶) روزهای سرخوشی از برجام بود و باراک اوباما هم ریاســـت‌جمهوری آمریکا را برعهده داشت اما آمریکا و اروپا عملا به هیچ‌کدام از تعهدات خود برای تعلیق تحریم‌های یکطرفه خود و تحریم‌های شورای امنیت پایبند نبودند. محمدجواد ظریف، وزیر خارجه وقت دست به قلم شد و نامه‌ای به فدریکا موگرینی نماینده عالی وقت اتحادیه اروپا در سیاست خارجی و هماهنگ‌کننده برجام نوشت و شروع به گلایه کرد: «قریب هشت ماه بعد از روز اجرا [برجام]، مهم‌ترین تعهدات ایالات متحده و برخی از طرف‌های اروپایی در رابطه با رفع تحریم‌ها هنوز ایفا نگردیده است. همچنین اقداماتی مغایر با برخی دیگر از تعهدات مشـــخص آنها و نیز موارد متعددی از طفره رفتن از اجرای تعهدات وجود داشته است.» آقای ظریف در ادامه می‌نویسد: «بانک‌ها[ی خارجی] در عمل اعتصاب کرده و از تعامل مجدد با ایران خودداری می‌کنند.» آن زمان یک مصداق مشـــهور برای این وضعیت وجود داشـــت و آن اینکه وزارت خارجه ایران در تمام مدت برجام تا خروج آمریکا حتی نتوانست یک حساب بانکی برای سفارت ایران در لندن باز کند.

قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل در عمل هیچ‌گاه تعلیق نشدند که حالا تروئیکای اروپایی بخواهد با مکانیسم ماشه و بازگشت آنها، ایران را تهدید کند. با خروج آمریکا از برجام و تا همین امروز؛ آمریکا و اروپا تحریم‌ها را بیشتر هم کردند. آنها آن‌قدر از ابزار تحریم علیه ایران اســـتفاده کردند که این ابزار دیگر کارایی خود را از دست داد. ۲۵اکتبر ۲۰۲۰ زمانی که دولت وقت آمریکا سعی می‌کرد در چارچوب سیاست فشـــار حداکثری تحریم‌های بیشتری بر ایران اعمال کند، رابرت اوبرایان مشـــاور امنیت ملی ترامپ به خبرنگاران گفت: «یکی از مشکلاتی که ما با ایران و روسیه داریم این است که در حال حاضر آن‌قدر تحریم علیه آنها اعمال کرده‌ایم که دیگر امکان کمی برای انجام دادن مانده اســـت.» با روی کار آمدن جو بایدن در آمریکا؛ دولت او نیز به همین وضعیت اعتراف کرد. وندی شرمن قائم‌مقام وقت آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا درباره اعمال تحریم‌های بیشـــتر علیه ایران به شبکه رادیویی پابلیک رادیو اینترنشنال(PRI) گفت: «فکر می‌کنم که تغییری در تحریم‌های اساسی اتفاق نخواهد افتاد، در واقع بسیاری از تحریم‌ها مشابه همان تحریم‌های قبلی خواهند بود و تنها نامشان عوض خواهد شد.»

تهدید تروئیکای اروپایی به استفاده از مکانیسم ماشه علیه ایران؛ تهدید معتبری نیســـت چون تحریم‌های اروپا و آمریکا علیه ایران هرگز کنار نرفتند که حالا نگران بازگشت‌شـــان باشیم. این تهدید دست‌کم فقط در دو صورت می‌تواند دردسرساز باشد؛ در صورت اول آنها باید بتوانند اطلاعات خود را از شبکه مالی و لجستیکی تجارت ایران به خصـــوص در حوزه نفت به‌روز کنند و به‌روز نگه دارند. برای دستیابی به این هدف طرف غربی مصمم است کنوانسیون‌های پالرمو و CFT را در قالـــب برنامه اقدام FATF بـــه ایران تحمیل کند. در صورت دوم غرب باید مزدوران میدانی و رســـانه‌ای خود را در داخل ایران برای ایجاد فضای روانی به خط کند. آنها با خرابکاری و انتشار اخبار، تحلیل و گزارش‌های مخدوش و ساختگی به تشدید انتظارات تورمی و دستکاری روانی اقتصاد ایران می‌پردازند تا از طریق ایجاد فشار افکار عمومی بر مسئولان، آنها را پای میز مذاکره‌ای فرابرجامی بنشـــانند. در هر صورت ابتکار عمل دست مسئولان ایران است تا با اقدامات قاطعانه مانع از معتبر شدن تهدید تروئیکای اروپایی شوند؛ البته اگر اراده‌ای داشته باشند.

سید محمدعماد اعرابی

چه کسانی به شایعه استعفای رئیس‌جمهور دامن زده‌اند؟

مطرح کردن شایعه استعفا، استیضاح و حتی تعطیل کردن جلســـات هیئت دولت دارای انگیزه‌هایی است که بن‌مایه آن ایجاد یک تورم سیاسی در داخل و خروجی آن انسداد در خارج از آن است.

درســـت در شـــب بازگشـــت رئیس‌جمهـــور از مصـــر شـــورای اطلاع‌رسانی دولت در خبری عجیب و قابل تفسیر اعلام کرد که پزشکیان از سمت خود استعفا نداده است. این خبـــر آن‌قدر عجیب بـــود که باعث تعجب بســـیاری از اهالی سیاست شده و این سؤال را در میان بسیاری طرح کـــرد که اصـــولاً مگر خبری درباره استعفای رئیس‌جمهور پخش شده است که حالا تیم اطلاع‌رسانی آن مجبور به تکذیب آن است؟

بررسی و تحلیل دیتای بسیاری از اخبـــار در آن روز حکایت از آن دارد که نه‌تنها خبری رسمی درباره احتمال استعفای رئیس‌جمهور طرح نشده است بلکه در فضای مجازی نیز به‌جز شبکه‌ای خاص که اهداف آن مشخص بوده و از مدت‌ها قبل این ماجرا را داغ نگه داشـــته‌اند تقریباً هیچ ســـکوی رســـانه‌ای دراین‌باره ســـخنی به میان نیاورده است، در واقع ماجرای استعفای پزشکیان فاقد مرجعی در داخل کشور بوده است!

عوارض بالا بردن فشارهای سیاسی!

به نظر می‌رسد این روزها مطرح کردن شـــایعه اســـتعفا، استیضاح و حتی تعطیل کردن جلســـات هیئت دولت دارای انگیزه‌هایی اســـت که بن‌مایه آن ایجاد یک تورم سیاســـی در داخل و خروجی آن انســـداد در خارج از آن اســـت. همچنین برخی دســـت‌های آلوده به ســـرویس‌های خارجی به‌ویژه صهیونیست‌ها برای کنار رفتن پزشـــکیان لحظه‌شماری کرده تا یک فشار سیاسی با آنتالپی بالا را به کشـــور تحمیل کنند، این جریـــان در حال حاضر با پوشـــش نیروی انقلابی مشـــغول کار اســـت. کاربرانی که در پوشش انقلابی، حتی بیانات صریح رهبر انقلاب در حمایت از دولت‌ها را هم نادیده می‌گیرند. اما در درون دولت نیز برخی حرکت‌هایی نظیر واکنش رسمی به شایعه‌سازی و هشتگ‌های سازمانی برای استعفا یا استیضاح رئیس‌جمهور، ابهاماتی را ایجاد می‌کند.

البتـــه همچنـــان باید نســـبت بـــه جریاناتی که تـــلاش می‌کنند همراســـتا بـــا بدخواهـــان نظام در پوشش انقلابی‌گری و دشمنان مسلم ملت از جمله منافقین، رئیس‌جمهور را به این مسیر سوق دهند حساس بـــود. از جمله همان جریانی که در ســـال ۷۶ تلاش کرد خاتمی را به سوی نوشتن نامه استعفا تشویق کند تا شاید با ایجاد جو متراکم سیاسی، از نظام امتیاز بیشتری بگیرد.

در آن روزها ســـعید حجاریان در یکی از ساختمان‌های پاستور به رئیس‌جمهور وقت پیشـــنهاد کرده بود که طرحی را برای عادی‌سازی رابطـــه بـــا آمریکایی‌ها نـــزد رهبر انقلاب ببـــرد و اگر مورد تأیید قرار نگرفت، استعفا بدهد، خاتمی نیز به دلیل داشـــتن ذهن ساده از مسائل سیاســـی با این طرح همراه شده و حتی به اســـتانداران خود گفته بود که محکم بایستید اگر نخواستند با هم می‌رویم!

برخی شـــواهد حکایـــت از آن دارد که همـــان جریانی که خاتمی را به نقطه گریز از مرکز رســـانده و رئیس‌جمهـــور وقت را مجبور کرده بود که در نمایشـــگاه مطبوعات از به‌صـــورت علنی درباره اســـتعفا را مطـــرح کند این بـــار نیز زیر گوش رئیس‌جمهور نســـخه‌هایی را طرح می‌کند کـــه خروجـــی آن تبدیل پزشکیان به خاتمی است.

اشتباهی که خاتمی کرد درس‌هایی که روحانی گرفت

روزنامـــه اعتمـــاد نزدیـــک به اصلاح‌طلبـــان رادیـــکال برای هل دادن دولت به چنیـــن پرتگاهی با طرح ایـــن موضوع که پزشـــکیان آخریـــن فرصت‌هـــا را نبایـــد هدر بدهد، نوشـــته اســـت: هیچ‌چیز به اندازه وفای به عهد و پیمان موجب اعتمـــاد به فرد یا قدرت نمی‌شـــود و هیچ‌چیـــز نیز به‌انـــدازه نقض آن موجب بی‌اعتبـــاری و بی‌اعتمادی بـــه فـــرد یـــا قـــدرت نمی‌شـــود. البته باید پذیرفت که وفای به عهد و پیمان، حداقل در ســـطح سیاسی و حکومتـــی، قـــدری پیچیده‌تر از پیمان‌های فردی و مکتوب اســـت. ولـــی اینکه پـــس از ۵ ماه از آمدن دولت هنوز در برابر رفع فیلترینگ مقاومت می‌شـــود یا چنـــد نفر از بقایای تندروها که بیشـــتر به درد موزه‌های سیاســـی می‌خورند را به جان دولت بیندازند و مرغ رســـانه فراگیر نیز همچنان یک‌پا داشـــته باشد و بر مدار پایداریون بچرخد یا بخواهند که مصوبه حجاب را ابلاغ کنند، هیچ چیزی جز نقض پیمان را نشان نمی‌دهد!

این جریـــان این روزها در حال ســـنجیدن افکار عمومی است که آیا می‌توان با پخش شایعاتی چون اســـتعفای پزشـــکیان و همچنین اســـتفاده از خـــط آلوده ســـرویس خارجی که در فضای مجازی پخش شده است، بخت خود را برای گرفتن امتیاز بیشـــتر از نظام بیازماید، این بازی خطرنـــاک البته عاقبت خوبی برای گردانندگان آن نخواهد داشت.

بی‌تردید مســـعود پزشکیان در امور دولـــت داری به‌هیـــچ عنوان شـــباهتی به افرادی چون خاتمی نداشـــته و دارای هوش سیاســـی بالایی اســـت که او را از افتادن در اتاق تاریک ساختمان قرمز ریاست جمهوری دور می‌کند. پزشکیان از همان ابتدای نامزد شدن در انتخابات مواضعی داشـــته که مورد پســـند بخش رادیکال جریان اصلاح‌طلب و چپ ســـتادی نبوده و آنها با داشتن چنیـــن سنجشـــی از رئیس‌جمهور بخت خود را برای این بازی خطرناک آزموده‌اند.

مجموعه اخبار حکایت از دارد که در حال حاضر ســـه گروه برای به هم زدن تعادل سیاسی در کشور و ایجـــاد انســـداد در آن در تلاش هستند، گروه اول سرویس اطلاعاتی خارجی و دنباله داخلی ضدانقلاب است که در حاشیه تحولات سوریه در تـــلاش اســـت کشـــور را دچار آشوب‌های سیاسی عمیق، پردامنه و خشن کند.

گـــروه دوم جریانـــی بـــا ظاهر انقلابی اما آلوده به نفوذ اســـت که با ذهنیتی خـــام در این بازی وارد شده است و بخشی از آن ناآگاهانه و مقدار کمتری از آن با آگاهی کامل پشت دست سرویس خارجی بازی می‌کند.

اما گروه سوم جریانی است که در دوره خاتمـــی با هـــدف گرفتن امتیاز طرح استعفای رئیس‌جمهور را مطـــرح کرده و در دولت روحانی با نیت ایجاد نابســـامانی سیاســـی آن را روی میز گذاشـــته بودند، در دولت پزشـــکیان برآیندی از هر دو در پشـــت درهای پاســـتور مشغول برنامه‌ریزی است.

نکته جالب توجه آن است که هر سه گروه با انگیزه‌های متفاوت اما با هدفی مشترک در تلاش هستند تا پزشکیان برف زمستانی را ندیده و زمین بخورد، پیش‌بینی می‌شود که تقاطع این سه گروه با هم در روزهای آینده جدی‌تر خواهد شد.

رئیس‌جمهور باید به این موضوع اشراف داشـــته باشـــد که جنسی که برای اســـتعفای او و زمین زدن دولت طراحی شـــده اســـت با مدل اســـتعفای خاتمی و حتی روحانی نیز متفاوت‌تر است.

به گزارش مشـــرق، بار دیگر به رئیس‌جمهـــور توصیه می‌کنیم که صداهای اطراف خود را با دقت بیشتر گوش کند؛ جریانی که این روزها در حال به هم زدن تصویر پزشـــکیان اســـت در خفـــا تـــلاش می‌کند تا صدای او را نیز تغییر بدهد، شنیدن این ســـیگنال به‌دقت و ظرافت بالا نیاز دارد!

طحان نظیف:

قانون اساسی نگاه چندبعدی به نقش زنان در جامعه دارد

سخنگوی شـــورای نگهبان نوشـــت: قانون اساسی جمهوری اســـلامی ایران نگاه چندبعدی به نقش زنان در جامعه دارد.

به گـــزارش پایگاه اطلاع‌رســـانی شـــورای نگهبان، دکتر هادی طحان نظیف، ســـخنگوی شورای نگهبان در صفحه شخصی خود در فضای مجازی نوشت: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با نگاهی چندبعدی به نقش زنان در جامعـــه هم بر نقـــش خانوادگی و مـــادری زن و هم بر مشـــارکت فعال اجتماعی و سیاسی او تأکید کرده است؛ همان الگویی که مقام معظم رهبری از آن به «الگوی سوم زن» تعبیر کرده‌اند.

گفت و شنود

مواظب باش!

گفـــت: یکی از مدعیـــان اصلاحات و حامیان دولت کـــه اصرار دارد خود را اقتصاددان هم معرفی کند، راه‌حل کارســـاز و مؤثری برای حل مشـــکلات اقتصادی ارائه کرده است!

گفتم: ایول! چی گفته؟!

گفـــت: می‌گوید؛ «اصلاحات و افزایش قیمت‌ها بایـــد ناگهانی و همراه با شوک‌درمانی باشد نه تدریجی»!

گفتم: یعنی چی؟!

گفت: ایشـــان گفته است؛ «سیاست‌های شوک‌درمانی و افزایش یک‌شبه قیمت‌هـــا، اقتصاد چین را نجـــات داد و آلمان به عنوان یـــک اقتصاد موفق، شوک‌درمانی کرد و یک‌شبه قیمت تمام کالاها ده برابر شد»!

گفتم: خُب، بعد از این که یک‌شبه قیمت‌ها ده برابر شد و صدای اعتراض مردم درآمد، باید چه کرد؟!

گفت: برای این هم راه‌حل داده و گفته است؛ «رئیس‌جمهور چین برای حل مشکلات اقتصادی چین شوک‌درمانی کرد و افراد زیادی را در میدان تیان‌آن‌من پکن کشت تا بالاخره موفق شد»!

گفتم: یعنی هرکسی که به ده برابر شدن قیمت‌ها اعتراض کرد، باید کشته شود؟!... باید شب و روز از این «مغز متفکر اقتصادی»! مراقبت کرد که مبادا این سرمایه بزرگ توسط دشمنان دزدیده شود!

وزیر کشور:

همه دستگاه‌ها باید برای اجرای قانون جوانی جمعیت کمک کنند

وزیر کشور با بیان اینکه کاهش جمعیت صرفا موضوع یک دستگاه و یک نهاد نیســـت، گفت: قانون جوانی جمعیت قانون مناسبی است و همه دستگاه‌ها باید در یک اقدام هماهنگ با مشارکت مردم آن را پیاده‌سازی و اجرا کنند.

اســـکندر مؤمنی، وزیر کشور در حاشـــیه افتتاحیه گواهی الکترونیک ولادت و امضای دیجیتال در سازمان ثبت احوال کشور در جمع خبرنگاران با اشاره به اقدامات انجام شده در این حوزه اظهار داشت: با توجه به شرایط امروز کشـــور و دنیا، هوشمندسازی یک انتخاب نیســـت بلکـــه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر اســـت و امـــکان ارائه خدمت بدون هوشمندســـازی فراهم نیست.

وی افـــزود: با همکاری مناســـب وزارت بهداشـــت و درمـــان و آموزش پزشـــکی، گواهی ولادت در کشور از امروز - ســـوم دی‌ماه - هوشـــمند و الکترونیک می‌شود و این اقدام گامی بزرگ در راستای هوشمندسازی کامل فرآیندها است.

وزیـــر کشـــور بـــا بیـــان اینکه هوشمندسازی به همراه خود سرعت، دقت و صحت عمل را به همراه دارد، اظهار داشت: وقتی این فرآیند به نهایت برسد بسیاری از اقدامات و هزینه‌ها از جمله هزینه کاغذ، وقت و عمر مردم صرفه‌جویی می‌شود.

مؤمنی با اشـــاره بـــه موضوعات جمعیتی کشـــور، ادامـــه داد: موضوع کاهش روند ولادت و جمعیت موضوع جدی اســـت و بخش‌هـــای مختلف و کارشناســـان و وزارت بهداشت بارها اعلام کرده‌اند که این روند کشور را با بحرانی جدی در آینده روبه‌رو می‌کند.

وی بـــا اشـــاره به قـــانون جوانی جمعیت و حمایـــت از خانواده تاکید کرد: اقدامات تاکنـــون موفق نبوده و اگر موفق بود قطعا این روند کاهشـــی باید جایی متوقف می‌شد.

وزیر کشـــور گفـــت: باید تلاش بیشتری کنیم و آسیب‌شناسی شود، این موضع بخشی نیست و مربوط به همه کشور است و باید این باور ایجاد شـــود که این روند و کاهش شـــتابان جمعیـــت، بحران جدی برای کشـــور است.

خبر ویژه

مردم و رهبری نگذاشتند ایران را مثل لیبی و سوریه کنید

محسن‌هاشمی به بهانه حوادث سوریه به تجلیل از پدر خود مرحوم‌هاشمی رفسنجانی پرداخت.

رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران، در روزنامه سازندگی نوشت: «با آغاز بهار عربی در ۱۵ سال قبل، مواضع مختلفی در کشور نسبت به این موضوع گرفته شد که بی‌تاثیر از حوادث سال ۱۳۸۸ نبود. برخی از افراد و شخصیت‌ها، بدون در نظر گرفتن نظر مردم صرفاً براساس مواضع و روابط از برخی از این انقلاب‌ها حمایت و برخی را محکوم می‌کردند و بر این اساس از انقلاب مصر و سقوط حسنی‌مبارک استقبال، و با تلاش‌ها در سوریه مخالفت می‌کردند. اما برخی دیگر از شخصیت‌ها، بدون در نظر گرفتن مواضع و منافع، به طور اصولی از مردم‌سالاری در کشورهای اسلامی استقبال می‌کردند و آن را برآمده از روح اسلام و انقلاب اسلامی می‌دانستند.

اصل حق تعیین سرنوشت هر کشور توسط مردم آن کشور موضوعی نیست که قابل جدایی از انقلاب اسلامی باشد و بارها مورد تاکید امام خمینی(ره) و رهبر انقلاب قرار گرفته است. اما بعضی اظهارنظرهای اصولی و دلسوزانه آیت‌الله هاشمی با تخریب افراطیون مواجه شد. در این میان، سردار سلیمانی فرمانده نیروی قدس که از زمان دفاع مقدس روابط نزدیکی با آیت‌الله هاشمی به عنوان فرمانده جنگ داشت و از سوی رهبر انقلاب نیز ماموریت داشت تا نظرات رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را در حوزه فعالیت‌های برون‌مرزی اخذ و ایشـــان را در جریان تحولات قرار دهد، جلسات خصوصی با آیت‌الله هاشمی داشت و ایشان نیز با استدلال، لزوم توجه به نظرات مردم سوریه را به ایشان یادآور می‌شدند و سردار سلیمانی نیز با توجه به ارادت قلبی خود به فرمانده جنگ، این سخنان را می‌شنید و تا حد امکان به مسئولان دولت سوریه و سایر مقامات منعکس می‌کرد. البته در این مقطع هنوز داعش تشکیل نشده بود و حدود دو سال بعد داعش با نقش و دخالت مثلث غربی، عبری و عربی تشکیل شد.

یکی دیگر از ریشه‌های اصلی سقوط در سوریه، فقر و فلاکت عمومی مردم سوریه حتی در میان نیروهای نظامی و امنیتی این کشور ناشی از هجمه دشمنان و سیاست‌های غلط حکمرانی بود، ناترازی‌ها که مترادف محترمانه کسری بودجه و ورشکستگی اقتصاد ملی است، حکومت سوریه را از پا درآورد و متاسفانه امروز همین ناترازی‌ها، اقتصاد ملی ایران را تهدید می‌کند و متاسفانه سه قوه به عنوان نهادهای اجرائی، قانونگذار و ناظر حاضر به پذیرش مسئولیت تغییر سیاست‌های نادرست خارجی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور نیستند. اگر امروز آیت‌الله هاشمی زنده بود حتماً به مسئولان سه قوه و سایر ارکان کشور توصیه می‌کرد به نظرات مردم برای اداره کشور توجه شود و با فکر آینده ایران و نسل‌های بعد، از اقداماتی که منافع ملی و آینده کشور را به خطر می‌اندازد براساس آرمان‌ها و شعارهای غیرقابل اجرا و متناقض با واقعیات امروز جامعه پرهیز شود».

البته آقای محسن هاشمی عادت دارد هر اتفاقی را بهانه کند و به تحسین مرحوم پدر بپردازد. این اقدام اگر مبتنی بر واقعیات و حقایق باشد اقدام پسندیده‌ای است اما در غیر این صورت، صرفا رفتاری سیاست‌بازانه ارزیابی می‌شود.

اولا مرحوم هاشمی در فتنه آمریکایی- انگلیسی- و صهیونیستی سال ۱۳۸۸ متاسفانه در همان زمینی نقش‌آفرینی کرد که نقشه و طراحی دشمن بود و در این مسیر مشخصا موسوی و برخی اطرافیانش از قبل هماهنگ شده بودند. مرحوم‌هاشمی آن روز به جای این که کنار اکثریت بایستند و از جمهوریت و اسلامیت در برابر دیکتاتورهای اشرافی غربگرا پاسداری کند، بازیچه شبکه القاکننده تقلب شد و حال آن که به اذعان کسانی حتی مثل خاتمی و تاجزاده و عطریانفر و ده‌ها نفر دیگر از مدعیان اعتدال و اصلاحات، تقلب آن هم در حد یازده میلیون رای امکان نداشـــت. بدتر این که به فاصله یکی دو ماه معلوم شد «انتخابات بهانه است/ اصل نظام نشانه است». اما برخی اطرافیان ناصالح مرحوم‌هاشمی نگذاشتند او مستقلا تصمیم بگیرد، صف خود را از جریان انگلیسی- آمریکایی و صهیونیستی جدا کند و به جبران مافات بپردازد. بنابراین ماجرای ۸۸ هیچ افتخاری برای بازیگران و بازیچگان فتنه ندارد. در واقع، رهبری و مردم نگذاشتند ایران مقتدر، تبدیل به کشوری جنگزده و بی‌ثبات و ناامن مثل لیبی و سوریه و عراق و افغانستان و... شود.

ثانیا ماجرای سوریه با ماجرای مصر و بحرین و تونس کاملا متفاوت بود. اگر در سه کشور اخیر خود مردم این کشور به اعتراض علیه دولت‌های آمریکایی برخاسته بودند و توسط آمریکا و غرب هم سرکوب شدند، در سوریه گروه‌های تروریستی (و نه مردم) میداندار بودند که وابستگی مطلق به سرویس‌های متخاصم خارجی داشتند و بخش مهمی از اعضای آنها نیز نه سوری، بلکه تروریست‌های وارداتی از دیگر کشورها محسوب می‌شوند.

ثالثا شـــهید سلیمانی به مرحوم هاشمی احترام می‌گذاشت اما ارزیابی و عملکردش درباره مقاومت منطقه و از جمله سوریه، کاملا با نگاه مرحوم‌هاشمی که متاثر از برخی مشاوران غربگرا بود، تفاوت داشت. امثال آن شهید البته طبیعی بود که از دولت سوریه بخواهند هوای مردمش را داشته باشد اما نقشه صهیونیستی آمریکایی را به نقش مردم سوریه اشتباه نمی‌گرفتند.

رابعا عملکرد دولت‌های موسوم به سازندگی و اصلاحات و اعتدال (برجام) که به مدت ۲۴ سال زیر نظر مستقیم مرحوم‌هاشمی یا با حمایت ویژه او تشکیل شدند، در حوزه اقتصادی غالبا عملکرد منفی و توام با تشدید شکاف طبقاتی و نارضایتی عمومی از شکل‌گیری اشرافیت اقتصادی- سیاسی بوده و حزب کارگزاران، مجسمه این کارکرد است. بر خلاف این روند، هر گاه بعد از دولت مورد حمایت مرحوم‌هاشمی، دولتی دیگر روی کار آمد (دولت‌های احمدی‌نژاد و شهید رئیسی) ضریب جینی به عنوان نشانگر کاهش یا افزایش شکاف طبقاتی، به شکل چشمگیری کاهشی شد.

اعتماد، آسمان را آبی کرد تورم را هم کاهش داد

روزنامه دولتی اعتماد پس از آن که وسط آلودگی هوا آسمان را آبی کرد، تورم را هم کاهش داد و تیتر زد: «خزان تورم در پاییز»(!)

این روزنامه که به رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت تعلق دارد، ۲۰ آبان گذشته، برای توجیه تعطیلی نیروگاه و بازگشت خاموشی‌ها، مدعی توقف مازوت‌سوزی شد و تیتر زد: «آسمان آبی‌تر می‌شود.» این در حالی بود که مازوت فقط ۵ درصد سوخت نیروگاه‌ها بود و ماجرا به بی‌تدبیری در ذخیره‌سازی گازوئیل برمی‌گشت! پس از آن هم مازوت‌سوزی در نیروگاه‌ها ادامه داشت و همزمان، شاهد چند هفته آلودگی شدید هوا و تعطیلی ادارات و مدارس و دانشگاه‌ها بودیم.

یک ماه و نیم بعد، روزنامه آقای حضرتی، بر خلاف روند گران‌سازی کالاها و خدمات مختلف از سوی دولت، تیتر اول خود را به عنوان «خزان تورم در پاییز» اختصاص داد و ادعا کرد که شتاب افزایش قیمت‌ها گرفته شد.(!)

در حالی که طی دو سه ماه گذشته با دستور و بخشنامه‌های دولتی، قیمت خودرو و لبنیات و نان و دارو و گاز و برق و بلیت قطار و برخی کالاهای اساســـی و ارز گران شـــده، روزنامه اعتماد نوشـــت: جدیدترین گزارش مرکز آمار نشان می‌دهد که تورم آذر ماه، در هر سه مقیاس ماهانه، میانگین و سالانه نسبت به آبان کاهش یافته است. تورم ماهانه که به بالای ۳٫۵ درصد رسیده بود، دوباره به ۲ درصد بازگشته است. تورم میانگین نیز با کاهش خود رکورد زده و به کمترین سطح در طول ۴ ســـال اخیر رسیده است. تورم سالانه نیز در آبان ماه ۳۲٫۵ درصد بوده که نزدیک به یک درصد طی آذرماه کاهش پیدا کرده است. اما پیش از اینکه به تحلیل چنین آماری بپردازیم؛ به این ســـؤال پاســـخ می‌دهیم که با توجه به مجوزهای اخیری که برای افزایش قیمت به انواع کالاها داده شده، چطور تورم ظرف یک ماه، کاهشی شده است؟ در ادبیات اقتصادی، عموما برای گرانی و تورم دو تعریف جداگانه در نظر گرفته می‌شود. چنان‌که کاهش تورم به معنای ارزان‌تر شدن قیمت‌ها نیست، بلکه خبر از کند شدن سرعت رشد قیمت‌ها می‌دهد. در مقابل، تورم به معنای گران شـــدن اجناس نیست، بلکه به معنای «ارزان شدن پول» است. در واقع در تورم به وجود آمده در کشـــور اجناس گران نمی‌شوند، بلکه پول از ارزش می‌افتد و دلیل آن هم اعمال سیاست‌های پولی و افزایش نقدینگی در اقتصاد است.

اعتماد افزود: تورم میانگین آذرماه یا آن گونه که مرکز آمار می‌گوید؛ تورم سالانه به معنای میانگین افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در ۱۲ ماه منتهی به آذرماه ۱۴۰۳ نسبت به میانگین افزایش ســـطح عمومی قیمت‌ها در ۱۲ ماه منتهی به آذرماه ۱۴۰۲ است. در واقع این مقیاس، وضعیت این یک ســـال را نسبت به یک سال قبل از خود بررسی می‌کند و طیف گسترده‌ای از ماه‌های سال در آن است. نکته جالب توجه این است که از دی ماه سال ۱۳۹۹ یعنی سال اوج پاندمی کرونا، چنین کاهشی در تورم میانگین اقتصاد ایران رخ نداده بود. در واقع پس از ۴ سال تورم میانگین یک رکورد کاهشی بزرگ را جابه‌جا کرده است. فقط تصور کنید که عدد تورم میانگین در اردیبهشت سال گذشته نزدیک به ۵۰ درصد بود و حالا نزدیک به کانال ۲۰ درصدی قرار دارد. این اتفاق می‌تواند نمایانگر نتیجه دادن تلاش‌ها برای کاهش تورم در بازه زمانی مورد اشاره باشد.

فشار افراطیون مدعی اصلاحات به پزشکیان در پوشش شایعه استعفا!

روزنامه زنجیره‌ای هم‌میهن، با دستمایه قرار دادن شایعه استعفای رئیس‌جمهور مدعی شد ائتلافی شامل اپوزیسیون خارج‌نشین و سوپر انقلابی‌های داخلی شکل گرفته است!

نکته قابل تامل در این میان، فراموشـــی عمدی گردانندگان این روزنامه است که دو سال قبل در فتنه پاییز ۱۴۰۱ کاملا هماهنگ با اپوزیسیون و گروهک‌های برانداز رفتار می‌کردند و